



مقطع تحصیلی: کاردانی □ کارشناسی □ رشته: معماری .ترم: بهمن سال تحصیلی: 1398-1399
 نام درس: **نماد شناسی** نام و نام خانوادگی مدرس: سیادتی
 آدرس email مدرس: تلفن همراه مدرس:

جزوه درس: **نماد شناسی** .. مربوط به هفته : هفتم □ هشتم ■ نهم □
 text: دارد □ ندارد □ voice: دارد □ ندارد □ power point: دارد □ ندارد □
 تلفن همراه مدیر گروه :

هر چند نشانه شناسی عمری به درازای تاریخ دارد و نظریه ای نیست که به یک باره شکل گرفته باشد اما محققان روش شناس، عموماً سرچشمه ای این نظریه را در ریافت های فردینان دوسوسور و چارلز پیرس باز جسته اند. اولی بیشتر از منظری فنی و زبان شناسانه به این نظریه پرتو افکنده است و دومی رویکردی متعطف تر دارد. در واقع هر دو، میان دانش و نشانه پیوندی تازه برقرار کرده اند و این رویکرد فکری را به قلمرو مطالعات دانشی وارد ساخته اند.

به طور کلی هدف و مقصود نشانه شناسی، مطالعه نظام های نشانه ای مانند زبان ها، رمزها، نمادها، نشانه های علامتی و مواردی از این دست است. نشانه شناسی یکی از بهترین روش های کارآمدی است که با ایجاد معنی و یا به تعبیر رولان بارت با « فرایند معنی دار شدن » سر و کار دارد.

○ سمبل

واژه " Symbol" در لغت به معنای نماد، نشانه، دال، نمودگار، نمون، رمز است و در عرف علمی، کد و سمبل نیز برای آن به کار می رود. این اصطلاح، در حوزه فلسفه زبان، زبان شناسی، ارتباط شناسی و هنر و ادبیات به کار برده می شود و اصل آن ریشه در ادبیات نشانه شناختی جهان باستان دارد. گذشتگان همواره منابعی غنی از رمزها (نمادها) را در ادبیات خود در بر داشته اند و نمادها از ارکان اساطیر کهن است؛ بلکه زبان اسطوره، نماد است. در کتاب فرهنگ اصطلاحات ادبی جهان سمبل این چنین تعریف شده است:

سمبل عبارت از چیزی است که نماینده چیز دیگر باشد. اما این نماینده بودن نه به علت شباهت دقیق میان دو چیز است بلکه به معنای اشاره ای مبهم یا رابطه ای اتفاقی یا قراردادی است.

منظور از سیستم های نشانه شناختی و سیستم های سمبلیک این است که شیء چطور به امر ذهنی تبدیل می شود مثل یک فکر و بر عکس چطور یک امر ذهنی به امر واقعی و جسم تبدیل می شود. به عبارت دیگر تبدیل ذهنیت به عینیت و بر عکس. عینیت از طریق سیستم حسی به ذهنیت تبدیل می شود. یک چیز واقعی از طریق دیدن، شنیدن، بویدن و لمس کردن به چیز ذهنی تبدیل می شود. این چیز ذهنی فرایند اصلی آن بازنمایی است. افرادی بعد از لوی استرواس عقیده داشتند که چیزی به نام واقعیت واقعی نداریم و چیزی که وجود دارد صرفاً برساخته های فردی از واقعیت محسوس است. واقعیت بازنموده یعنی چیزی که من می بینم چیزی نیست که فی الذات وجود دارد بلکه فقط چیزی است که من می بینم. این مفهوم، نافی واقعیت نیست بلکه نافی وحدت واقعیت است؛ یعنی واقعیت نه یک امر واحد و تک است و نه یک امر همگن است. در حالی که واقعیت در جهان بیرونی نه همگن است و نه واحد، در سیستم ذهنی باید هم همگن و هم واحد باشد و تضاد اساسی بین سیستم مغزی و ذهنی و سیستم واقعی وجود دارد. سیستم های عینی این را درک نمی کنند مغز انسان نمی تواند مفهوم تضاد را بپذیرد، مغز نمی تواند بی معنایی را نیز درک بکند بی معنایی برای مغز غیر قابل تعریف است. نشانه اگر وجود نداشته باشد سیستم های طبقه بندی از بین می روند. افراد بدون آگاهی و به صورت ناخودآگاه سیستم های نشانه شناختی را درونی می کنند. سیستم زبانی و سیستم نشانه شناختی باید با هم هماهنگ باشند. در مورد جهانشمول بودن نشانه ها روان شناسان بسیار تمایل دارند که بگویند یک نشانه به لحاظ زبان شناسی، جهانی و



عام است و این گونه مطرح می‌کنند که سیستم های روانی ناشی می‌شوند از سیستم حسی که ایجاد می‌شود و تعداد عواطفی که سیستم های حسی ایجاد می‌کنند بسیار محدود است؛ بنابراین تعداد عواطف در تمام فرهنگ ها محدود است و افراد بر اساس این عواطف عمل می‌کنند و بعد سیستم های ماهیچه ای و بعد سیستم های کُنشی را مطرح می‌کنند. پُل اکمن بر اساس سیستم های آزمایشگاهی می‌خواهد ثابت کند که تعداد عواطف محدود است و این عواطف ایجاد احساس سیستم های ماهیچه ای یکسان می‌کند مثل خنده، خشم، غم، ترس، تعجب و غیره. کسانی که در مقابل اکمن قرار دارند نفی نمی‌کنند که در انسان یک تیپ از جهانی شدن بیولوژی وجود دارد مثلاً خنده که یک واکنش بیولوژی است در انسان های مختلف و در فرهنگ های مختلف به یک صورت دیده می‌شود و با اثر بیولوژی یکسان که انبساط است. اما بحث جهانی شدن را طبعاً انسان شناسان نمی‌پذیرند ولی در آن طرف قضیه دیدگاه غالبی که خاص و ویژه بود امروز پذیرفته نیست. در نظام های جدید این پذیرفته است که ما باید هر چه بیشتر به طرف سیستم های تفسیری برویم و سیستم های روایت های چندگانه.

انواع نشانه

طبقه‌بندی های متعددی از انواع نشانه ارائه شده است که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- 1) طبقه‌بندی قدما؛ سوسور می‌گوید: از قدیم میان دو دسته از علائم تفکیک قابل می‌شدند. یکی از علائمی که در آنها نشانه با معنی ربط دارد که به یونانی آن را آیکون (Eikon) می‌گفتند و قصدشان آن دسته از علائم بود که رابطه‌ای بین شکل و معنای آن وجود داشت. و دوم، نمادها که علائم قراردادی یا غیر آیکونیک (Noniconic نام داشته‌اند.
 - 2) طبقه‌بندی سوزان لانگر؛ سوزان لانگر معتقد است که 59049 نوع نشانه وجود دارد که آنها را سرانجام در یک طبقه‌بندی کلی تر به شخصت و شش نوع کاهش می‌دهد.
 - 3) طبقه‌بندی چارلز پیرس؛ پیرس "نشانه‌ها" را به سه دسته معروف شمایل (Icon)، نمایه (Index) و نماد (Symbol) تقسیم کرده است. طبقه‌بندی سه‌گانه پیرس هنوز به‌طور گسترده‌ای در مطالعات نشانه‌شناسی به آن ارجاع می‌شود. پیرس خود این طبقه‌بندی را بنیادی‌ترین تقسیم‌بندی نشانه‌ها می‌داند.
 - 4) طبقه‌بندی نشانه‌شناسان کارکردگرا؛ نشانه‌شناسان کارکردگرا (آندره مارتینه، ژن مارتینه، ژرژ مونی، لویی پریو، و به‌ویژه اریک بویی سانس) تقسیم‌بندی تازه‌ای برای دسته‌بندی انواع نشانه‌ها پیشنهاد کرده‌اند که در حکم تکامل دسته‌بندی پیرس است. آنان چهار دسته از واحدهای نشانه‌ای را از یکدیگر جدا دانسته‌اند:
- الف) نمایه‌های طبیعی: در اینجا هیچ قراردادی، رابطه‌ای میان دال و مدلول را تعیین نمی‌کند، اما میان این دو نسبت زمانی و مکانی وجود دارند. هر دو بیانگر یک واقعیت هستند، و مستقل از هرگونه نیت یا خواست ذهنی وجود دارند. همچون مثال مشهور دود که دلالت دارد بر وجود آتش.



ب) شمایل: در شمایل، قراردادی رابطه دال و مدلول را تعیین نمی‌کند، اما میان این دو نسبت زمانی و مکانی نیز همچون نسبتی ضروری وجود ندارد. این دو بیانگر یک واقعیت نیستند و می‌توانند مستقل از هرگونه نیت باشند، اما به همین شکل می‌توانند وابسته به نیتی هم باشند. همچون مثال نسبت عکسی از فردی با خود آن فرد.

ج) نماد: در نماد رابطه دال و مدلول با قراردادی تعیین می‌شود، اما این قراردادی استوار است به‌گونه‌ای همانندی شمایی. نسبت این دو تا حدودی قراردادی است و تا حدودی استوار به همانندی است. نماد به‌گونه‌ای ضروری نیت‌مند است. همچون شکلی که تا حدودی همانند هواپیماست، بر علامتی کنار جاده به نشانه جاده‌ای که به فرودگاه می‌رسد.

د) نشانه: در "نشانه" آن همانندی نسبی "شمایی" وجود ندارد، نسبت دال و مدلول صرفاً قراردادی است. نشانه به‌گونه‌ای مطلق و ضروری نیت‌مند است. همچون واژه فرودگاه بر تابلویی در یک بزرگراه، که نشانه جاده‌ای است که به فرودگاه ختم می‌شود.

نکته: برخی از پژوهشگران معتقدند نمایه، شمایل و نماد، تنها بیانگر وجه ممیز و شاخص این سه‌گونه از انواع نشانه هستند و گرچه هر یک دارای عناصری از دو گونه دیگر نیز هستند و هر سه مکانیسم معنایی در فهم معنای یک نشانه به کار می‌روند.

○ نشانه تصریحی و تلویحی

برخی از نشانه‌شناسان در عین حال که قراردادی بودن نشانه‌ها را پذیرفته‌اند، آنها را بر دو دسته تصریحی (Explicit) و تلویحی (Implicit) یا ضمنی تقسیم کرده‌اند. نشانه‌های تصریحی دقیق‌تر از نشانه‌های تلویحی است. واژگان فنی مربوط به نشانه زبانی، تصریحی و واژگان هنری، مربوط به نشانه‌های تلویحی‌اند. در علوم تجربی و ریاضی عموماً دلالت‌های صریح نقش مسلط را دارد، اما در ادبیات و هنرهای گوناگون نقش مسلط را دلالت‌های ضمنی ایفاء می‌کند.

نظام‌های نشانه‌ای

هریک از نشانه‌ها متعلق به یک نظام خاصی است که قوانین تفسیری و زیبایی خاص خود را دارد و بر اساس آن به دلالت بر معانی می‌پردازد. زبان‌های گوناگون، حرکات بدنی، حالات چهره، پوشاک، نظام‌های تصویری و نور در چندرسانه‌ای‌ها و ... همگی نظام‌های نشانه‌ای هستند. مثلاً لباس زن و مرد و رنگ عمامه در روحانیون و لباس‌های اقوام محلی هر یک نشانه‌ای در نظام نشانه‌ای پوشاک در ایران هستند. و باز بتوان مثال، نظام نشانه‌ای نورپردازی در سینما، دال‌ها و مدلول‌های خاص خود را دارد و مثلاً نورپردازی روشن و تیره و بلکه هر یک از انواع رنگ دارای پیام و مدلول خاص خود هستند. و همین‌طور گفتار و نوشتار و نشانه‌های حرکتی و موسیقایی و آوایی نیز هر یک، نظام نشانه‌ای جداگانه هستند.

گاهی هم با ترکیب این خرده‌نظام‌ها، برخی اصطلاح نظام نشانه‌ای را برای معنایی کلان‌تر بکار می‌برند؛ مثلاً می‌گویند: «تفاوت نظام‌نشانه‌ای در سینما و عکاسی چیست؟» و حال آنکه هر یک از عکاسی و سینما از یک نظام نشانه‌شناسی جدا



برخوردارند. نظام نشانه‌ای در عکاسی، شمایی است و نمایه‌ای اما سینما، مشتمل بر شش نظام مختلف است که یکی از آن‌ها عکس است:

1. نظام نشانه‌های تصویری، که از نشانه‌های شمایی آغاز می‌شود، اما از آن‌ها می‌گذرد.
2. نظام نشانه‌های حرکتی که جدا دانستن آن از نظام تصویری، یکی از مهم‌ترین گام‌های نشانه‌شناسی سینما بوده است.
3. نظام نشانه‌شناسی زبان‌شناسیک گفتاری، یعنی هرگونه کاربرد زبان گفتاری و کلام در سینما، چون مکالمه، تفسیر خارجی، زبان‌های خارجی و ...
4. نظام نشانه‌های زبان‌شناسیک نوشتاری، یعنی هر شکل کاربرد زبان نوشتاری در سینما، چون عنوان‌بندی، نوشته‌هایی که درون عناصر تصویری جلوه می‌کنند، زیرنویس‌ها و ...
5. نظام نشانه‌های آوایی غیرزبان‌شناسیک، یعنی هر شکل از اصوات که به مقصود ارائه معنا از راه عناصر زبان‌شناسیک ارائه نشوند، سر و صداها، اصوات طبیعی و ...
6. نظام نشانه‌های موسیقایی، چون موسیقی متن، موسیقی فیلمنامه‌ای، زمزمه موسیقایی شخصیت‌ها و ...

نشانه کامل و نظام نشانه‌ای غنی

سوسور تنها به یک جنبه از نشانه‌ها یعنی سویه نمادین توجه داشت و با تأکید بر سویه قراردادی نشانه‌ها، امکانات نشانه‌شناسیک دیگر را یا از نظر دور می‌داشت، و یا بی‌ارج می‌دانست. برخلاف او پیرس نشان داد که در کامل‌ترین نشانه‌ها آمیزه‌ای از سه جنبه شمایی، نمایه‌ای و نمادین یافتنی است. از نظام‌های ارتباطی موجود در دنیای ما، سینما کامل‌ترین نظام است و به همین جهت است که افسون‌گرانه مخاطب را در بند خود می‌کند.

نشانه‌ها و حقیقت

اومبرتو اکر نشانه‌شناس ایتالیایی می‌گوید: از نشانه‌ها هم می‌توان برای گفتن حقیقت استفاده کرد و هم برای دروغ گفتن. بلکه او در جایی خاطر نشان می‌کند که نشانه‌شناسی بررسی چرایی و چگونگی امکان دروغ‌گویی است. توضیح بیشتر را او در نظریه نشانه‌شناسی می‌نویسد: نشانه‌شناسی با آنچه می‌تواند نشانه تلقی شود سر و کار دارد. نشانه هر چیزی است که بتوان آن را بعنوان جانشین چیز دیگری به کار برد. این "چیز دیگر" لازم نیست موقعی که شماره‌ای را به جای آن می‌گذاریم الزاماً وجود داشته و در جایی قرار گرفته باشد. بنابراین اصولاً نشانه‌شناسی علم مطالعه همه چیزهایی است که می‌توان برای دروغ گفتن به کار برد. اگر از چیزی نتوان برای دروغ گفتن استفاده کرد، از آن نمی‌توان برای گفتن حقیقت هم استفاده کرد. در واقع برای گفتن هیچ چیز نمی‌توان آن را به کار برد. به نظر من تعریف نشانه‌شناسی بر مبنای "نظریه دروغ گفتن" را می‌توان برنامه‌ای کاملاً جامع برای علمی به نام نشانه‌شناسی عمومی به‌شمار آورد.